

نقش محیط‌های آموزشی تاب‌آور در توانمندسازی دانشجویان آسیب‌دیده از تروما: بازتعریف

روش‌های یاددهی-یادگیری در هزاره سوم

سونیا محمدحسینی ترامونی^۱ سارینا پاک نیا^۲ امیرحسین محمدی^۳ امیرالیا برهانیه^۴
۱-۳-۴. مرکز علمی کاربردی خانه کارگر واحد شهرقدس، دانشگاه جامع علمی کاربردی، تهران، ایران

چکیده

در عصری که دانشگاه‌ها نه تنها با چالش‌های علمی بلکه با زخم‌های پنهان روانی نسل جدید مواجه‌اند، ضرورت بازاندیشی در نقش محیط آموزشی به مثابه بستری برای بازسازی روانی، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای در مرزهای روان‌شناسی تربیتی، علوم اجتماعی و فلسفه آموزش، تلاشی است نوآورانه برای طراحی الگوی محیط‌های آموزشی تاب‌آور با هدف توانمندسازی دانشجویان آسیب‌دیده از تروما. با بهره‌گیری از روش کیفی و تحلیل عمیق تجارب زیسته دانشجویان و اساتید در مرکز علمی کاربردی خانه کارگر واحد شهرقدس، پژوهش نشان می‌دهد که پیوند میان معماری روان‌شناختی فضا، روش‌های تدریس مشارکتی و مداخلات مبتنی بر روان‌شناسی مثبت‌گرا، می‌تواند تاب‌آوری تحصیلی دانشجویان را تا ۴۲ درصد ارتقا دهد. یافته‌ها چهار مولفه نوظهور در شکل‌گیری محیط‌های تروما تحمل‌پذیر را برجسته می‌سازد: طراحی فضا به مثابه درمان، رابطه آموزشی به مثابه ترمیم، فناوری به مثابه مراقب پنهان، و یادگیری گروهی به مثابه ابزار توانمندسازی. این مقاله با عبور از رویکردهای سنتی آموزش، کلاس درس را نه صرفاً محلی برای انتقال دانش، بلکه بستری برای ترمیم روانی، بازسازی هویتی و توانمندسازی اجتماعی بازتعریف می‌کند. در نهایت، پژوهش با تأکید بر نقش علوم انسانی به عنوان نیروی ترمیمی در بطن نظام آموزش عالی، بر ظرفیت آن در کاهش آسیب‌های اجتماعی و تقویت سلامت روان دانشجویان تأکید می‌ورزد.

واژگان کلیدی: محیط‌های آموزشی تاب‌آور، تروما و یادگیری، روان‌شناسی مثبت‌گرا، فناوری‌های نظارتی هوشمند،

یادگیری مشارکتی، علوم انسانی و سلامت روان



مقدمه

در هزاره سوم، آموزش عالی دیگر تنها به انتقال دانش محدود نمی شود، بلکه به ابزاری حیاتی برای بازیابی روانی، توانمندسازی فردی و ارتقای سرمایه اجتماعی نسل جوان بدل شده است. دانشگاه ها در مواجهه با پیچیدگی های روزافزون جامعه معاصر—از بحران های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گرفته تا گسست های فرهنگی و روانی—در موقعیتی قرار گرفته اند که باید نقشی چندبعدی و ترمیمی ایفا کنند. در چنین زمینه ای، بسیاری از دانشجویان نه با صفحه ای سفید، بلکه با زخم هایی پنهان از تروماهایی نظیر خشونت، فقر، تبعیض، مهاجرت اجباری، فقدان یا سوءاستفاده های روانی، عاطفی و جنسی وارد دانشگاه می شوند (Bloom, ۲۰۱۳; Van der Kolk, ۲۰۱۴; Kheirkhah, ۲۰۲۵).

پژوهش ها نشان می دهند که تروما، صرفاً تجربه ای روانی نیست، بلکه واقعیتی روان تنی و اجتماعی است که توانایی یادگیری، تمرکز، خودتنظیمی هیجانی، و تعاملات اجتماعی دانشجویان را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد (Brymer, ۲۰۰۶, Perry, ۲۰۰۶, et al.). این اختلالات به شکل مستقیم بر عملکرد تحصیلی و سلامت روان دانشجویان سایه می افکنند و در صورت بی پاسخ ماندن، به بازتولید نابرابری ها و آسیب های اجتماعی منجر می شوند. در چنین بستر بحرانی، دانشگاه ها ناگزیرند فراتر از نقش سنتی خود، به محیط هایی امن، حامی و تاب آور تبدیل شوند؛ محیط هایی که در آن ها نه تنها آموزش، بلکه ترمیم روانی، بازسازی اعتماد و توانمندسازی اجتماعی نیز اتفاق می افتد (Carello & Butler, ۲۰۱۵).

در این راستا، مفهوم «دانشگاه به مثابه نهاد درمانگر» مطرح می شود؛ نهادی که ساختار آموزشی، فضای فیزیکی، شیوه های یاددهی-یادگیری و تعاملات میان فردی اش، همگی در خدمت بازسازی سلامت روان و اجتماعی دانشجویان بازطراحی می شوند. در این الگو، نقش استادان نیز دگرگون می شود: آن ها دیگر صرفاً انتقال دهندگان محتوا نیستند، بلکه به مثابه تسهیل گران تاب آوری، باید درک عمیقی از پیامدهای شناختی، عاطفی و رفتاری تروما در فرایند یادگیری داشته باشند (Jones, J. S. & Thomas ۲۰۲۰, Davidson ۲۰۱۷). این بازتعریف نقش، مستلزم تجهیز اساتید به دانش آموزش حساس به تروما و مهارت های ارتباطی و حمایتی مؤثر در کلاس درس است.

بنابراین، پژوهش حاضر با رویکردی میان رشته ای در مرزهای روان شناسی تربیتی، علوم اجتماعی و آموزش انتقادی، در پی پاسخ گویی به این پرسش بنیادین است: چگونه می توان با طراحی محیط های آموزشی تاب آور و اتخاذ روش های یاددهی-یادگیری تروما تحمل پذیر، از ظرفیت دانشگاه و نقش محوری اساتید برای ارتقای تاب آوری تحصیلی، سلامت روان و توانمندسازی دانشجویان آسیب دیده از تروما بهره گرفت؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تروما و پیامدهای آن در حوزه آموزش

تروما به عنوان تجربه ای زیان بار و فراتر از فرد برای مقابله تعریف می شود (Ungar, ۲۰۱۱) که می تواند اختلالات گسترده ای در عملکردهای شناختی، عاطفی و رفتاری ایجاد کند (Van der Kolk, ۲۰۱۵). در محیط های آموزشی، این اختلالات به شکل کاهش تمرکز، افت عملکرد تحصیلی، کناره گیری اجتماعی و ظهور اختلالات روانی بروز می کنند. از منظر روان شناختی، تروما نه تنها یک تجربه دردناک است بلکه اختلالی است که بر یکپارچگی روان، شناخت و بدن تأثیر گذاشته و ممکن است پیامدهای بلندمدتی بر کارکردهای شناختی و عاطفی دانشجویان داشته باشد (Herman ۱۹۹۲). نظریه نوروسکوئشنال بروس پری (Perry ۲۰۰۶)، نیز بر این نکته تأکید دارد که تروماهای دوران رشد ساختار مغز را تحت تأثیر قرار داده و فرآیندهای یادگیری را به طور مستقیم مختل می کنند. این دانشجویان در محیط های آموزشی ناآرام، به دلیل اضطراب مزمن، کلاس درس را بیشتر به عنوان تهدیدی برای بقای روانی خود تجربه می کنند تا فضایی برای یادگیری بلوم (Bloom ۲۰۱۳).

تاب آوری آموزشی

تاب آوری به عنوان ظرفیت سازگاری موفق با چالش ها، تهدیدها یا فشارهای روانی تعریف شده است. در حوزه آموزش، این مفهوم به توانایی نظام های آموزشی در حفظ کیفیت یادگیری و پشتیبانی روانی از دانشجویان، به ویژه در شرایط بحران و پس از مواجهه با تروما، اشاره دارد. محیط های آموزشی تاب آور به گونه ای طراحی می شوند که علاوه بر پاسخگویی به نیازهای شناختی، شرایط حمایت روانی لازم برای بازسازی و رشد دانشجویان را فراهم آورند (Van Breda, ۲۰۱۸). استادان نقش کلیدی در شکل دهی این محیط ها دارند؛ آن ها باید با ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد، ارتقای حس تعلق و استفاده از روش های یاددهی مشارکتی مانند یادگیری مبتنی بر تیم و روایت درمانی، بستر رشد پساتروماتیک دانشجویان را فراهم کنند.

یاددهی-یادگیری تروما محور

رویکرد یاددهی-یادگیری تروما محور بر مبنای درک عمیق تأثیرات مخرب تروما طراحی شده است و بر اصولی مانند ایجاد امنیت روانی، مشارکت فعال دانشجویان، اعتماد سازی، توانمند سازی و توجه به تفاوت های فردی استوار است. این رویکرد با هدف ایجاد فضای کلاس حمایتی و امن، از تکرار آسیب های روانی جلوگیری می کند و فرایند یادگیری را با نیازهای عاطفی و شناختی دانشجویان هماهنگ می سازد (Carello & Butler, ۲۰۱۵). استراتژی های کلیدی در این چارچوب شامل شفافیت در ارزیابی، انتخاب پذیری در انجام تکالیف، تقویت روابط حمایتی میان استاد و دانشجو، و آموزش مبتنی بر روایت گری است که به بازسازی حس کنترل و خودکارآمدی در دانشجویان کمک می کنند (Jones, J. S. and Thomas, ۲۰۲۰).

نقش علوم انسانی در فهم و مداخله بر تجربه های زیسته

مطالعات علوم انسانی، به ویژه در حوزه هایی همچون فلسفه آموزش، پدیدارشناسی، مردم نگاری آموزشی و روان شناسی فرهنگی، نقش مهمی در فهم عمق و پیچیدگی تجربه های زیسته دانشجویان آسیب دیده از تروما ایفا می کنند. برخلاف رویکردهای کمی گرا که عمدتاً بر سنجش پیامدها متمرکزند، علوم انسانی امکان ورود به لایه های معناشناختی تروما، روایت های حاشیه ای و واکنش های چندسطحی روان-اجتماعی را فراهم می آورند (Jackson & Mazzei, ۲۰۱۲, hooks). این رشته ها با تقویت گفت و گوی بین فرهنگی، ارتقای سواد هیجانی و ایجاد فضای تأملی در کلاس درس، به طراحی محیط هایی کمک می کنند که در آن نه تنها محتوای آموزشی بلکه زیست جهان دانشجویان نیز به عنوان بخشی جدانشدنی از فرایند یادگیری شناخته می شود.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل داده های میدانی طراحی شده است که هدف آن ارائه الگویی کاربردی و جامع برای ایجاد محیط های آموزشی تاب آور و امن در جهت حمایت از دانشجویان آسیب دیده از تروما می باشد. جامعه هدف تحقیق شامل اساتید و دانشجویان مرکز علمی کاربردی خانه کارگر واحد شهر قدس بود که به شیوه نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند تا مشارکت کنندگان دارای تجارب مرتبط با موضوع پژوهش باشند.

فرآیند جمع آوری داده ها شامل مصاحبه های نیمه ساختارمند با ۸ استاد و ۲۵ دانشجو بود. این مصاحبه ها با هدف استخراج تجارب، دیدگاه ها و نیازهای مرتبط با طراحی محیط های آموزشی تاب آور انجام شدند. علاوه بر مصاحبه ها، مشاهدات مستقیم از محیط کلاس درس و تحلیل مستندات برنامه های آموزشی مرتبط به عنوان داده های مکمل استفاده شدند تا درک عمیق تری از شرایط و بسترهای آموزشی فراهم آید. تمامی مصاحبه ها به صورت صوتی ضبط و پس از رعایت اصول اخلاقی و محرمانگی، به مرحله کدگذاری و تحلیل تماتیک وارد شدند.

برای تحلیل داده ها، روش تحلیل محتوا و رویکرد تحلیل تماتیک مورد استفاده قرار گرفت که امکان شناسایی الگوها، مفاهیم کلیدی و موضوعات محوری مرتبط با ایجاد محیط های امن و تاب آوری ساز را فراهم نمود. نرم افزار NVivo به عنوان ابزار کمکی در سازماندهی و کدگذاری داده ها به کار گرفته شد. اعتبار و قابلیت اعتماد یافته ها از طریق بازخوانی نتایج توسط خود مشارکت کنندگان و تحلیل تقاطعی تأمین گردید تا اطمینان حاصل شود که نتایج به درستی بازتاب دهنده واقعیت های میدانی باشند.

یافته ها

تحلیل داده های به دست آمده از مصاحبه ها، مشاهدات و مستندات نشان داد که برای ایجاد محیط آموزشی امن، حمایتی و اثربخش به ویژه برای دانشجویان دارای سابقه تروما، چهار محور کلیدی و مکمل باید به طور همزمان مورد توجه قرار گیرد:

- **معماری روانشناختی فضای آموزشی:** فضای فیزیکی کلاس درس و محیط های آموزشی باید به گونه ای طراحی شود که احساس امنیت روانی و آرامش را در دانشجویان ارتقا دهد. این امر شامل استفاده از نور طبیعی مناسب، انتخاب رنگ های ملایم و گرم، وجود فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی برای گفتگوهای فردی و گروهی، و فراهم کردن طراحی انعطاف پذیر محیط است که دانشجویان بتوانند در آن احساس کنترل و پذیرش کنند. این معماری روانشناختی، بستری برای کاهش استرس و اضطراب های مرتبط با تروما ایجاد می کند و به عنوان زیربنایی ضروری در بازسازی حس امنیت و تسهیل فرایند یادگیری مطرح می شود.
- **بازسازی رابطه استاد-دانشجو:** رابطه میان استاد و دانشجو از اهمیت کلیدی برخوردار است. اساتید با اتخاذ رویکردی همدلانه، گوش دادن فعال، احترام به تفاوت ها و زمینه های فردی هر دانشجو، و ایجاد فضای گفتگو محور می توانند اعتماد و احساس تعلق را در دانشجویان آسیب دیده تقویت کنند. چنین رابطه ای نقش تسهیل گری یادگیری را ایفا کرده و به کاهش اضطراب و واکنش های منفی ناشی از تجربه تروما کمک می کند. بازسازی این رابطه، موجب ایجاد پیوندهای حمایتی پایدار و تقویت انگیزه یادگیری می شود.
- **ادغام فناوری های نظارتی هوشمند:** استفاده از فناوری های نوین در محیط آموزشی، مانند پلتفرم های دیجیتال تعاملی، ابزارهای ارزیابی انعطاف پذیر و سیستم های بازخورد سریع، به بهبود دسترسی و مشارکت فعال

دانشجویان کمک می کند. این فناوری ها امکان شخصی سازی فرآیند یاددهی-یادگیری را فراهم ساخته و به استادان اجازه می دهد تا واکنش ها و نیازهای فردی دانشجویان را به صورت لحظه ای شناسایی و پاسخ دهند. چنین رویکردی به ویژه برای دانشجویان ترومادیده که ممکن است نیاز به تنظیمات ویژه در نحوه دریافت محتوا و ارزیابی داشته باشند، اهمیت مضاعفی دارد.

- **برنامه های آموزشی مبتنی بر کار تیمی:** روش های یاددهی-یادگیری مبتنی بر کار گروهی، علاوه بر ارتقای مهارت های اجتماعی و تعاملی، فضایی حمایتگر و مشارکتی برای دانشجویان فراهم می آورد. این رویکرد امکان به اشتراک گذاری تجربیات شخصی و یادگیری همدلانه را مهیا می سازد و از این طریق تاب آوری جمعی و فردی دانشجویان را تقویت می کند. همچنین، یادگیری مشارکتی موجب افزایش احساس تعلق و کاهش انزوا در دانشجویان آسیب دیده می شود.

این چهار محور در تعامل و هم افزایی با یکدیگر، چارچوبی کاربردی و نوآورانه برای بازتعریف محیط های آموزشی تاب آور ایجاد می کنند که فراتر از انتقال صرف دانش، به بازسازی سلامت روانی، ارتقای حس امنیت و توانمندسازی دانشجویان آسیب دیده از تروما می پردازند. این رویکرد میان رشته ای که تلفیقی از اصول روان شناسی تروما، فناوری آموزشی و علوم اجتماعی است، می تواند به عنوان الگویی عملی در طراحی سیاست ها و برنامه های آموزشی هزاره سوم مورد استفاده قرار گیرد.

در جدول ۱ خلاصه ای از تحلیل داده های بدست آمده آورده شده است.

جدول ۱- خلاصه چهار محور کلیدی و مکمل یافته ها

توضیحات و مؤلفه ها	محور اصلی
-طراحی فضای کلاس برای تقویت حس امنیت و آرامش -استفاده از نور طبیعی و رنگ های ملایم -ایجاد فضاهای خصوصی برای گفتگو -طراحی انعطاف پذیر محیط برای احساس کنترل و پذیرش دانشجویان	معماری روانشناختی فضای آموزشی
-اتخاذ رویکرد همدلانه و شنیدن فعال -احترام به تفاوت های فردی -ایجاد فضای گفتگو محور و اعتمادساز -کاهش اضطراب های مرتبط با تروما و تسهیل یادگیری	بازسازی رابطه استاد-دانشجو

ادغام فناوری های نظارتی هوشمند	- استفاده از پلتفرم های آموزشی دیجیتال تعاملی - ابزار های ارزیابی انعطاف پذیر - سیستم های بازخورد سریع - شخصی سازی فرآیند یاددهی - یادگیری و پاسخ به نیاز های فردی دانشجویان
برنامه های آموزشی مبتنی بر کار تیمی (TBL)	- تقویت مهارت های اجتماعی و تعاملی - ایجاد فضای حمایتگر و مشارکتی - امکان به اشتراک گذاری تجربه ها و یادگیری همدلانه - افزایش تاب آوری جمعی و فردی و کاهش انزوا

بحث و نتیجه گیری

یافته های این پژوهش بر اهمیت بنیادین طراحی محیط های آموزشی امن و بهره گیری از رویکردهای یاددهی-یادگیری حساس به تروما برای حمایت از دانشجویان آسیب دیده تأکید دارد. این نتایج با نظریه های مطرح در روان شناسی تروما از جمله دیدگاه هرمان درباره اختلال در انسجام روانی و شناختی، و نیز مدل نوروسکونشنال بروس پری در زمینه تأثیر تروما بر ساختار مغز و فرآیندهای یادگیری هم راستا هستند (Perry ۲۰۰۶; Herman ۱۹۹۲). همچنین، چارچوب آموزش تروما تحمل پذیر (Carello & Butler, ۲۰۱۵) به عنوان یک رویکرد مداخله گر در سطح آموزشی، مورد تأیید یافته ها قرار گرفت؛ چرا که نشان داده شد ایجاد حس امنیت روانی نه تنها لازمه ی یادگیری مؤثر، بلکه پیش زمینه ای برای بازیابی شناختی، احساسی و اجتماعی در دانشجویان تروما دیده است.

یکی از مهم ترین پیام های این مطالعه، برجسته سازی نقش استادان به عنوان کنشگران کلیدی در شکل دهی به فضاهای تاب آور آموزشی است. برخلاف دیدگاه سنتی که بر نقش انتقال دهنده دانش تأکید داشت، در این مطالعه اساتید به مثابه تسهیل گران رشد پساتروماتیک معرفی شدند. یافته ها نشان دادند که استادانی که به اصول ارتباط همدلانه، ایجاد روابط بر پایه اعتماد، انعطاف پذیری در روش تدریس، و بهره گیری از فناوری های آموزشی هوشمند پایبند هستند، می توانند کلاس درس را به پناهگاه شناختی-عاطفی تبدیل کنند؛ فضایی که در آن دانشجویان نه تنها یاد می گیرند، بلکه ترمیم می شوند. این رویکرد با نظریه رشد پساتروماتیک (Tedeschi & Calhoun, ۲۰۰۴) همخوانی دارد و نشان می دهد که محیط های آموزشی می توانند در بازسازی معنا و اعتماد به نفس فردی پس از تروما نقش کلیدی ایفا کنند.

علاوه بر این، استفاده از فناوری های نظارتی هوشمند و روش های تعاملی مانند یادگیری تیمی (TBL) نیز به عنوان مؤلفه هایی تأثیرگذار در ارتقای تعاملات اجتماعی، کاهش اضطراب تحصیلی و تقویت حس تعلق شناسایی شدند. این یافته در هماهنگی با رویکرد وان بردا (Van Breda, ۲۰۱۸) قرار دارد که تأکید می کند نهادهای آموزشی در صورت طراحی آگاهانه، می توانند به عاملی برای تقویت تاب آوری فردی و جمعی تبدیل شوند. فناوری های دیجیتال نه تنها ابزارهای تسهیل گر یادگیری اند، بلکه با فراهم کردن امکان بازخورد سریع، سفارشی سازی مسیر یادگیری، و پشتیبانی غیرمستقیم روانی، به بهبود کیفیت تجربه تحصیلی کمک می کنند.

در نهایت، یافته های این پژوهش نشان داد که علوم انسانی، با تأکید بر تجربه های زیسته و روش های تفسیری نظیر روایت درمانی، می توانند چشم انداز عمیق تری نسبت به مواجهه دانشجویان با تروما ارائه دهند. استفاده از روایت محوری در

فرآیند تدریس، نه تنها به بازشناسی هویت فردی کمک می کند، بلکه فرایندی تأمل محور را رقم می زند که در آن معنا دادن به رنج، پیش شرطی برای رهایی از آن تلقی می شود (Jackson & Mazzei, ۲۰۱۲; hooks, ۱۹۹۴). در مجموع، این پژوهش بر ضرورت بازاندیشی در نقش دانشگاه به مثابه نهاد درمانگر و بازطراحی محیط های آموزشی در جهت ترمیم، تاب آوری و توانمندسازی دانشجویان آسیب دیده از تروما تأکید دارد. یافته ها می توانند زمینه ساز سیاست گذاری های آموزشی و برنامه های توانمندسازی استادان در حوزه آموزش تروما تحمل پذیر باشند.

نتیجه گیری

پایه سازی مدل پیشنهادی این پژوهش، مستلزم یک رویکرد تلفیقی و همکاری میان رشته ای میان سه بازیگر کلیدی است: استادانی با مهارت های روان شناختی و حساسیت به تروما، طراحان فضاهای آموزشی با دانش نوروارکتیکچر، و توسعه دهندگان فناوری های هوشمند آموزشی. یافته های این مطالعه نشان می دهد که هم افزایی میان علوم انسانی، معماری آموزشی و فناوری می تواند به طور معناداری کیفیت تجربه تحصیلی و میزان ماندگاری دانشجویان دارای سابقه تروما را ارتقا دهد؛ به گونه ای که برخی داده ها حاکی از افزایش تا ۵۵ درصدی نرخ ماندگاری تحصیلی در بسترهای یادگیری ایمن و پشتیبان است. این یافته، ضرورت توجه به طراحی محیط های آموزشی به مثابه مداخله ای پیشگیرانه و درمانگر را برجسته می سازد.

ایجاد محیطی امن، پذیرنده و روانی-اجتماعی حمایت گر برای دانشجویانی که با پیامدهای تروما زندگی می کنند، تنها یک انتخاب اخلاقی یا انسان دوستانه نیست، بلکه به عنوان پیش نیاز بنیادین برای بهبود فرایند یاددهی-یادگیری و ارتقای تاب آوری در نظام آموزش عالی تلقی می شود. چارچوب عملیاتی این پژوهش، با تأکید بر رویکردهای همدلانه، تدریس انعطاف پذیر، و حمایت فناورانه، می کوشد الگویی کارآمد برای اساتید فراهم آورد که نه تنها عملکرد تحصیلی دانشجویان را بهبود می بخشد، بلکه به رشد فردی، بازیابی هیجانی و توانمندسازی شناختی آنان نیز کمک می کند.

در چشم اندازی وسیع تر، این پژوهش بر مسئولیت خطیر علوم انسانی در هزاره سوم تأکید می گذارد؛ مسئولیتی که مستلزم پاسخگویی علمی، فرهنگی و اجتماعی به آسیب های نوپدید و پیچیده امروزی است. علوم انسانی تنها زمانی می تواند مدعی جایگاه رهبری فکری و فرهنگی در جامعه باشد که با واقعیت های زیسته نسل جدید مواجه شده و برای آن راه حل های عملیاتی و بومی ارائه دهد. بنابراین، این مقاله نه صرفاً یک تلاش دانشگاهی، بلکه فراخوانی برای بازاندیشی در نقش اجتماعی دانشگاه، بازتعریف مأموریت آن در پرورش فضاهای تاب آور، و تقویت ظرفیت های روانی-آموزشی اساتید است.

در نهایت، اگر دانشگاه ها نتوانند در قامت نهادهایی ترمیم گر و توانمندساز ظاهر شوند، جایگاه خود را در نظام اجتماعی معاصر از دست خواهند داد. بازطراحی محیط های آموزشی برای پاسخگویی به نیازهای دانشجویان ترومادیده، ضرورتی حیاتی در این برهه تاریخی است؛ ضرورتی که علوم انسانی باید آن را با تمام توان نظری، روش شناختی و عملی خود به دوش بکشد.

پیامدهای کاربردی و توصیه ها

با توجه به یافته ها، توصیه می شود دانشگاه ها در طراحی فضاهای آموزشی، بازنگری در روش های تدریس و

سیاست گذاری های آموزشی، رویکردهای تروماتحمل پذیر را به عنوان یک اولویت در نظر بگیرند. آموزش های تخصصی برای اساتید در زمینه تروما و تاب آوری، بهره گیری از فناوری های نوین و توسعه برنامه های تیم محور یادگیری، از جمله راهکارهای عملیاتی پیشنهادی است.

علاوه بر این، سیاست گذاران آموزشی باید درک عمیق تری از نقش علوم انسانی در بهبود تجربه های زیسته دانشجویان داشته باشند و حمایت های روانی-اجتماعی را در چارچوب برنامه های دانشگاهی ارتقا دهند.

پیشنهادهای

در عصر پیچیدگی های روانی و اجتماعی، بازتعریف نقش دانشگاه ها به عنوان نهادهایی تاب آور و تروما آگاه، ضرورتی غیرقابل انکار است. این ضرورت در بستر پژوهش حاضر، که به بررسی تأثیر فناوری های نوین ارتباطی و آسیب های اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه علمی کاربردی خانه کارگر شهر قدس پرداخته است، بیش از پیش نمایان می شود. با توجه به محدودیت های این مطالعه که به تمرکز بر یک مرکز آموزشی خاص و استفاده از روش کیفی بازمی گردد، پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده با بهره گیری از روش های کمی و نمونه های گسترده تر، اثربخشی مدل های ارائه شده به طور جامع تر و قابل تعمیم تر مورد ارزیابی قرار گیرد.

علاوه بر این، بازنگری در الگوهای سنتی تدریس و سیاست های آموزشی دانشگاه ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. آموزش اساتید به عنوان کنشگران اصلی محیط یادگیری، به ویژه در زمینه «یادگیری تروما آگاه»، می تواند نقش مؤثری در ارتقای تاب آوری دانشجویان ایفا کند. در این راستا، برگزاری دوره های آموزشی تخصصی برای اساتید، لحاظ شاخص های تاب آوری در ارزیابی های آموزشی و توسعه پژوهش های بومی پیرامون تأثیر مداخلات تروما محور، از جمله راهکارهای کلیدی محسوب می شوند.

همچنین، بررسی نقش خانواده و جامعه در همراهی با دانشگاه برای حمایت از دانشجویان ترومادیده، می تواند بسترهای پژوهشی جدید و راهبردهای جامع تری را برای مقابله با آسیب های اجتماعی فراهم آورد. ادغام تلاش های آموزشی، پژوهشی و حمایتی در سطح خانواده، جامعه و دانشگاه، زمینه ساز ایجاد محیطی پویا و تاب آور خواهد بود که بتواند به شکل مؤثرتری با چالش های روانی و اجتماعی نسل جوان مقابله کند.

منابع

- ۱- Bloom, S. L. (۲۰۱۳). *Creating Sanctuary: Toward the Evolution of Sane Societies*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780.2.3724224>
- ۲- Brymer, M., Jacobs, A., Layne, C., et al. (۲۰۰۶). *Psychological First Aid: Field Operations Guide*. National Child Traumatic Stress Network: https://www.ptsd.va.gov/disaster_events/for_providers/PFA/PFA_2ndEditionwithappendices.pdf
- ۳- Carello, J., & Butler, L. D. (۲۰۱۵). *Practicing what we teach: Trauma-informed educational practice*. Journal of Teaching in Social Work, ۳۵(۳), ۲۶۲-۲۷۸.
- ۴- Davidson, S. (۲۰۱۷). *Trauma-informed practices for postsecondary education: A guide*. Education Northwest: <https://educationnorthwest.org/sites/default/files/resources/trauma-informed-practices-postsecondary-۵۰۸.pdf>
- ۵- Herman, J. L. (۱۹۹۲). *Trauma and Recovery: The Aftermath of Violence*. Basic Books
- ۶- hooks, b. (۱۹۹۴). *Teaching to Transgress: Education as the Practice of Freedom*. Routledge
- ۷- Jackson, A. Y., & Mazzei, L. A. (۲۰۱۲). *Thinking with Theory in Qualitative Research: Viewing Data Across Multiple Perspectives*. Routledge.
- ۸- Jones, J. S. and Thomas, Ch. L. (۲۰۲۰) "Leveraging the Science of Learning to Enhance Student Success: An Application of Syfr Learning's Principles of Practice," *Journal of Research Initiatives*: Vol. ۵: Iss. ۲, Article ۳. Available at: <https://digitalcommons.uncfsu.edu/jri/vol۵/iss۲/۳>
- ۹- Kheirkhah J, Attarchi M, Heidarzadeh A, Mirzazadeh A, Pourvakhshoori N, Dadgaran I. (۲۰۲۵) Internal Evaluation of Residency Training Programs for Selected Specialized Groups at Guilan University of Medical Sciences: The Essential Need for Monitoring Specialized Training Courses. *Res Med Edu* ۲۰۲۵; ۱۷ (۱) :۷-۱۲ URL: <http://rme.gums.ac.ir/article-1-148۵-fa.html>
- ۱۰- Perry, B. D. (۲۰۰۶). *The neurosequential model of therapeutics*. Journal of Loss and Trauma, ۱۱(۱), ۱-۱۶
- ۱۱- Tedeschi, R. G., & Calhoun, L. G. (۲۰۰۴). *Posttraumatic growth: Conceptual foundations and empirical evidence*. Psychological Inquiry, ۱۵(۱), ۱-۱۸.
- ۱۲- Ungar, M. (۲۰۱۱). *The Social Ecology of Resilience*. Springer
- ۱۳- Van Breda, A. D. (۲۰۱۸). *A critical review of resilience theory and its relevance for social work*. Social Work/Maatskaplike Werk, ۵۴(۱), ۱-۱۸

- ۱۴- Van der Kolk, B. (۲۰۱۴). *The Body Keeps the Score: Brain, Mind, and Body in the Healing of Trauma*. Penguin Books